

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ خیرالدین حفظه الله تعالی

موضوع:

احکام؛ جهاد، دفاع و هجرت

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: ابوهادی مالکی

آیا سفر به بلاد کفر (کشورهای غیر اسلامی) یا اقامت در آن‌ها جایز است؟ معیار تشخیص اینکه کشوری از بلاد کفر است، چیست؟

پاسخ

تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۸

هر کشوری که حاکم آن غیر مسلمان باشد، از بلاد کفر است و سفر به آن در زمان صلح، هرگاه جان و دین در امان باشد، برای تجارت یا دعوت به اسلام یا اهداف مشروع دیگر اشکالی ندارد، اما اقامت در آن به دلایل زیر جایز نیست:

یکم اینکه آن مستلزم پذیرش حاکمیت کافران است که جایز نیست؛ به دلیل سخن خداوند که فرموده است: **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا»**^۱؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! کافران را به جای مؤمنان، اولیاء خود نگیرید! آیا می‌خواهید که برای خداوند بر ضد خود حجتی آشکار قرار دهید؟!» و فرموده است: **«الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عَنْهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»**^۲؛ «کسانی که کافران را اولیائی به جای مؤمنان می‌گیرند، آیا نزد آنان عزت می‌جویند؟! حال آنکه عزت همه برای خداوند است» و فرموده است: **«تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ لَهُمْ خَالِدُونَ»**^۳؛ «بسیاری از آنان را می‌بینی که کافران را ولی می‌گیرند، بد چیزی است آنچه نفس‌هاشان برایشان پیش انداخته است که خداوند بر آنان خشم گیرد و در عذاب جاودان باشند»

۱. النساء / ۱۴۴

۲. النساء / ۱۳۹

۳. المائدة / ۸۰

و فرموده است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۱؛ «و خداوند هرگز برای کافران بر ضدّ مسلمانان راهی قرار نخواهد داد» و از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود: «الْإِسْلَامُ يَغْلُو وَلَا يَغْلَى عَلَيْهِ»^۲؛ «اسلام بالادست است و زبردست نمی شود».

دوم اینکه آن نوعی گرایش به ظالمان است که جایز نیست؛ به دلیل سخن خداوند که فرموده است: «وَلَا تَزْكُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»^۳؛ «و به سوی کسانی که ظلم کردند گرایش پیدا نکنید که شما را آتش می گیرد و برایتان جز خداوند سرپرستانی نیست، آن گاه یاری نمی شوید» و فرموده است: «وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ»^۴؛ «و کافران همان ظالمانند».

سوم اینکه آن مستلزم اختلاط با کافران است که جایز نیست؛ به دلیل سخن خداوند که فرموده است: «وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا»^۵؛ «و بر شما در کتاب نازل کرده است که هرگاه شنیدید به آیات خداوند کفر ورزیده می شود و استهزاء می شود، پس با آنان ننشینید تا آن گاه که در گفتار دیگری فرو روند، شما آن گاه مانند آنانید، هرآینه خداوند جمع کننده ی همه ی منافقان و کافران در جهنّم است» و فرموده است: «وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۖ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»^۶؛ «و هرگاه کسانی را دیدی که در آیات ما فرو می روند، از آنان روی بگیر تا در سخنی دیگر فرو روند و اگر شیطان از یادت برد، پس از یادآوری با گروه ظالمان ننشین» و فرموده است: «وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ»^۷؛ «و از مشرکان دوری بجوی» و به نقل از نوح علیه السلام فرموده است: «يَا بُنَيَّ ازْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ»^۸؛ «ای پسر من! با ما سوار شو و همراه کافران نباش» و به نقل از موسی علیه السلام فرموده است: «فَأَفْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ»^۹؛

۱. النساء / ۱۴۱

۲. مسند خلیفه بن خیاط، ص ۴۱؛ صحیح البخاری، ج ۲، ص ۹۳؛ تاریخ واسط لبحشل، ج ۱، ص ۱۵۵؛ مسند الرویانی، ج ۲، ص ۳۷؛ من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۴، ص ۳۳۴؛ سنن الدارقطنی، ج ۴، ص ۳۷۱؛ أخبار أصبهان لأبی نعیم الأصبهانی، ج ۱، ص ۹۲؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۶، ص ۳۳۸

۳. هود / ۱۱۳

۴. البقرة / ۲۵۴

۵. النساء / ۱۴۰

۶. الأنعام / ۶۸

۷. الأنعام / ۱۰۶

۸. هود / ۴۲

۹. المائدة / ۲۵

«پس میان ما و میان گروه فاسقان جدایی بینداز» و به نقل از مؤمنان فرموده است: **«وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»**^۱؛ «و به رحمت ما را از قوم کافران نجات بده» و روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرموده است: **«لَا تُسَاكِنُوا الْمُشْرِكِينَ، وَلَا تُجَامِعُوهُمْ، فَمَنْ سَاكَنَهُمْ أَوْ جَامَعَهُمْ فَهُوَ مِثْلُهُمْ»**^۲؛ «در میان مشرکان سکونت نکنید و با آنان همنشین نشوید؛ چرا که هر کس در میان آنان سکونت کند یا با آنان همنشین شود، مانند آنان است» و در روایتی دیگر: **«مَنْ جَامَعَ الْمُشْرِكَ وَسَكَنَ مَعَهُ فَإِنَّهُ مِثْلُهُ»**^۳؛ «هر کس با مشرک همنشین شود و با او زندگی کند، مانند اوست» و فرموده است: **«لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ مُشْرِكٍ بَعْدَ مَا أَسْلَمَ عَمَلًا حَتَّى يَفَارِقَ الْمُشْرِكِينَ إِلَى الْمُسْلِمِينَ»**^۴؛ «خداوند از هیچ مشرکی پس از اسلام آوردنش عملی را قبول نمی کند تا آن گاه که از مشرکان به سوی مسلمانان جدا شود» و فرموده است: **«مَنْ أَقَامَ مَعَ الْمُشْرِكِينَ فِي دِيَارِهِمْ فَقَدْ بَرِثَتْ مِنْهُ الذِّمَّةُ»**^۵؛ «هر کس با مشرکان در سرزمین شان اقامت کند، ذمه از او بری شده است» و فرموده است: **«أَنَا بَرِيءٌ مِنْ كُلِّ مُسْلِمٍ يُقِيمُ بَيْنَ أَطْهَرِ الْمُشْرِكِينَ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَلِمَ؟ قَالَ: لَا تَرَأَى نَارَاهُمَا»**^۶؛ «من از هر مسلمانی که میان مشرکان اقامت دارد بیزارم، گفتند: برای چه ای رسول خدا؟! فرمود: نباید آتش (خانه های) یکدیگر را ببینند» و روایت جریر بن عبد الله بجلي که گفته است: **«أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يُبَايِعُ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، ابْسُطْ يَدَكَ حَتَّى أَبَايَعَكَ، وَاشْتَرِطْ عَلَيَّ، فَأَنْتَ أَعْلَمُ، فَقَالَ: أَبَايَعُكَ عَلَى أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ، وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ، وَتَتَّبَعَ الْمُسْلِمِينَ، وَتَفَارِقَ الْمُشْرِكِينَ»**^۸؛ «نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمدم در حالی که بیعت می گرفت، پس گفتم: ای رسول خدا! دستت را دراز کن

۱. یونس / ۸۶

۲. سنن الترمذی، ج ۴، ص ۱۵۶؛ مسند البزار، ج ۱۰، ص ۴۲۰؛ تاریخ واسط لیحشل، ج ۱، ص ۱۷۱؛ المعجم الکبیر للطبرانی، ج ۷، ص ۲۱۷؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۲، ص ۱۵۴؛ أخبار أصبهان لأبی نعیم الأصبهانی، ج ۱، ص ۱۵۸؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۹، ص ۲۴۰

۳. سنن أبی داود، ج ۳، ص ۹۳؛ المعجم الکبیر للطبرانی، ج ۷، ص ۲۵۱؛ شرح السنة للبلغوی، ج ۱۰، ص ۳۷۴

۴. مسند أحمد، ج ۳۳، ص ۲۳۷؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۸۴۸؛ سنن النسائی، ج ۵، ص ۸۲؛ مسند الرویانی، ج ۲، ص ۱۱۱؛ شرح مشکل الآثار للطحاوی، ج ۱۰، ص ۳۵۵؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۴، ص ۶۴۳؛ أمالی ابن بشران (الجزء الأول)، ص ۲۷۲

۵. الأحاد والمثانی لابن أبی عاصم، ج ۴، ص ۴۷۱؛ منتقی حدیث أبی عبد الله محمد بن مخلد، ص ۱۵۵؛ المعجم الکبیر للطبرانی، ج ۲، ص ۲۳؛ الفوائد المنتقاة عن الشیوخ العوالی للحربی، ص ۱۱۵؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۹، ص ۲۲

۶. طحاوی در «شرح مشکل الآثار» (ج ۸، ص ۲۷۴) گفته است: «إِنَّ أَهْلَ الْعَرَبِیَّةِ جَمِیعًا یَقُولُونَ فِي هَذَا الْخَرْفِ: لَا تَرَأَى نَارَاهُمَا، وَیَقُولُونَ فِي ذَلِكَ قَوْلَیْنِ: أَخَذَهُمَا: أَنَّهُ لَا یَجِلُ لِمُسْلِمٍ أَنْ یَسْكُنَ بِلَادَ الْمُشْرِكِیْنَ فِیْکُونُ مَعَهُمْ بِقَدْرِ مَا یَرَى كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ نَارَ صَاحِبِهِ، وَكَانَ الْکِسَائِيُّ یَقُولُ: الْعَرَبُ تَقُولُ: دَارِي تَنْظُرُ إِلَى دَارِ فُلَانٍ، وَدُوْنَنَا تَنَاطُرُ، وَالْآخَرُ مِنْهُمَا: أَنَّهُ أَرَادَ بِقَوْلِهِ: **«لَا تَرَأَى نَارَاهُمَا»** یُرِیدُ نَارَ الْخَرْبِ، وَمِنْ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ: **«كُلَّمَا أَوْفَدُوا نَارًا لِلْخَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ»** (المائدة / ۶۴) فَنَارُهُمَا مُخْتَلِفَتَانِ، هَذِهِ تَدْعُو إِلَى اللَّهِ، وَهَذِهِ تَدْعُو إِلَى الشَّیْطَانِ، فَكَيْفَ یَصْلُحُ أَنْ یَكُونَ أَهْلُ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا سَاكِنًا مَعَ أَهْلِ الْآخَرَى فِي بَلَدٍ وَاحِدٍ».

۷. مسند الشافعی، ص ۲۰۲؛ سنن سعید بن منصور، ج ۲، ص ۲۹۲؛ مصنف ابن أبی شیبة، ج ۶، ص ۴۶۸؛ سنن أبی داود، ج ۳، ص ۴۵؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۱۵۵؛ سنن النسائی، ج ۸، ص ۳۶؛ مجموع فیہ مصنفات أبی جعفر ابن البختری، ج ۱، ص ۲۴۲؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۸، ص ۲۲۵

۸. سنن النسائی، ج ۷، ص ۱۴۸؛ شرح معانی الآثار للطحاوی، ج ۳، ص ۲۱۶



تا با توبیعت کنم و بر من چیزی را شرط کن؛ چراکه تو داناتری، پس فرمود: با توبیعت می‌کنم به این شرط که خداوند را بپرستی و نماز را بر پا داری و زکات را بپردازی و برای مسلمانان خیرخواهی کنی و از مشرکان جدا شوی».

چهارم اینکه آن به سیاهی جمعیت کافران می‌افزاید که به معنای تقویت آنان و اعانت‌شان بر ضد مسلمانان است، در حالی که خداوند فرموده است: ﴿وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾؛ «و به یکدیگر در گناه و تعدی کمک نکنید و از خداوند بترسید که عقوبت خداوند شدید است» و عکرمه روایت کرده است: «أَخْبَرَنِي ابْنُ عَبَّاسٍ: أَنَّ أَنَسًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ كَانُوا مَعَ الْمُشْرِكِينَ، يُكْتَرُونَ سَوَادَ الْمُشْرِكِينَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَيَأْتِي السَّهْمُ فَيُزَمَّى فَيَصِيبُ أَحَدَهُمْ فَيَقْتُلُهُ، أَوْ يَضْرِبُهُ فَيَقْتُلُهُ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ﴾»^۱؛ «ابن عباس به من خبر داد که گروهی از مسلمانان همراه مشرکان بودند و این گونه بر سیاهی لشکر مشرکان در برابر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌افزودند، پس تیر پرتاب می‌شد و به یکی از آنان اصابت می‌کرد و او را می‌کشت یا (یکی از مسلمانان) به او ضربه می‌زد و او را می‌کشت، پس خداوند بلندمرتبه (این آیه را) نازل کرد: >هرآینه کسانی که فرشتگان در حال ظالم بودن آن‌ها به خودشان جانشان را می‌گیرند<» و ابن عباس و دیگران روایت کرده‌اند: «كَانَ رَجُلٌ مِنْ بَنِي لَيْثٍ اسْمُهُ جُنْدُبُ بْنُ ضَمْرَةَ اللَّيْثِيُّ، وَكَانَ ذَا مَالٍ، وَكَانَ لَهُ أَرْبَعَةُ بَنِينَ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْصُرُ نَبِيَّكَ بِنَفْسِي غَيْرَ أَنِّي أَعُوذُ عَنْ سَوَادِ الْمُشْرِكِينَ إِلَى دَارِ الْهَجْرَةِ، فَأَكُونُ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَأَكْثَرُ سَوَادَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ، فَقَالَ لِبَنِيهِ: احْمِلُونِي إِلَى دَارِ الْهَجْرَةِ، فَأَكُونُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ، فَحَمَلُوهُ، فَلَمَّا بَلَغَ الثَّنَعِيمَ مَاتَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى نَبِيِّهِ: ﴿وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾^۲ الْآيَةَ»؛ «مردی از بنی لیت به نام جندب بن ضمره ی لیتی بود که مال فراوان و چهار پسر داشت، گفت: خدایا! من پیامبرت را با جانم یاری می‌کنم، افزون بر اینکه از سیاهی لشکر مشرکان به دار الهجرة (یعنی مدینه) پناه می‌برم تا نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشم، پس بر سیاهی لشکر مهاجران و انصار بیفزایم، پس به پسرانش گفت: مرا تا دار الهجرة حمل کنید تا با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۱. المائدة / ۲

۲. النساء / ۹۷

۳. صحیح البخاری، ج ۶، ص ۴۸؛ السنن الکبری للنسائی، ج ۱۰، ص ۷۱؛ شرح مشکل الآثار للطحاوی، ج ۸، ص ۴۴۸؛ المعجم الکبیر للطبرانی، ج ۱۱، ص ۲۰۵؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۹، ص ۲۲

۴. النساء / ۱۰۰

۵. معرفة الصحابة لأبي نعيم الأصبهاني، ج ۲، ص ۵۸۶

ششم اینکه آن مستلزم قرار گرفتن در معرض فتنه و آزار دیدن به خاطر دین است؛ به دلیل سخن خداوند که فرموده است: **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُرْذُوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ»**^۱؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از کسانی که کافر شده‌اند پیروی کنید شما را به عقب بر می‌گردانند، پس زیان کار می‌گردید» و فرموده است: **«وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُم وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا»**^۲؛ «و حتماً از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شد و از کسانی که شرک ورزیدند آزار بسیاری خواهید شنید» و فرموده است: **«مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ»**^۳؛ «کسانی از اهل کتاب که کافر شدند و مشرکان دوست ندارند که از جانب پروردگارتان بر شما خیری نازل شود» و فرموده است: **«إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا»**^۴؛ «بی‌گمان کافران برای شما دشمنی آشکار هستند» و به نقل از مؤمنان فرموده است: **«رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا»**^۵؛ «پروردگارا! ما را فتنه‌ای برای کافران قرار نده».

هفتم اینکه آن مستلزم قرار گرفتن در معرض عذاب خداوند است که هر روز انتظار می‌رود بر کافران نازل شود؛ به دلیل سخن خداوند که فرموده است: **«فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذُّهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ»**^۶؛ «و اما کسانی که کافر شدند، پس آنان را در دنیا و آخرت به سختی عذاب می‌کنم و برایشان هیچ یاری‌کننده‌ای نیست» و فرموده است: **«وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةً أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِنْ دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ»**^۷؛ «و پیوسته عذابی کوبنده به کسانی که کافر شدند به سبب آنچه انجام دادند می‌رسد یا نزدیک خانه‌ی‌شان فرود می‌آید تا آن گاه که وعده‌ی خداوند برسد، بی‌گمان خداوند وعده را خلاف نمی‌کند» و فرموده است: **«أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ»**^۸؛ «آیا پس ایمن شدند از اینکه فراگیرنده‌ای از عذاب خداوند آنان را بیاید یا قیامت آنان را بیاید در حالی که توجه ندارند؟!» و فرموده است: **«هُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَجَلَّهُ وَلَوْ لَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوُّوهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»**^۹؛ «آنان کسانی هستند که کافر شدند

۱. آل عمران / ۱۴۹

۲. آل عمران / ۱۸۶

۳. البقرة / ۱۰۵

۴. النساء / ۱۰۱

۵. الممتحنة / ۵

۶. آل عمران / ۵۶

۷. الزعد / ۳۱

۸. یوسف / ۱۰۷

۹. الفتح / ۲۵



و شما را از مسجد الحرام بازداشتند و از اینکه قربانی که (در حال احرام) با خود نگاه داشته بودید، به محلّش برسد و اگر مردان و زنان مؤمنی نبودند که آنان را نمی‌شناختید و ممکن بود پایمالشان کنید، پس شما را توانی نادانسته برسد، تا خداوند هر کس را می‌خواهد به رحمت خود داخل کند، اگر از هم جدا می‌شدند حتماً کسانی از آنان که کافر شدند را عذابی دردناک می‌رساندیم».

بر این اساس، تردیدی در عدم جواز اقامت در سرزمین‌های غیر اسلامی باقی نمی‌ماند، مگر برای کسی که «مضطرّ» یا «محسن» است و مراد از «مضطرّ»، کسی از مسلمانان است که در آنجا متولّد شده یا کسی از کافران است که در آنجا اسلام آورده، ولی امکان ترک آنجا را نیافته است و چیزی که بر این دلالت دارد، سخن خداوند است که فرموده است: **﴿إِلَّا الْمُسْتَضْعِفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ۖ فَأُولَٰئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَغْفُو عَنْهُمْ ۚ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا غَفُورًا﴾**^۱؛ «مگر مستضعفانی از مردان و زنان و کودکان که چاره‌ای نمی‌توانند و راهی پیدا نمی‌کنند؛ پس امید می‌رود که خداوند آنان را ببخشد و خداوند بخشنده‌ای آمرزگار است»؛ همچنین است مظلومی که بر جان خود در سرزمین‌های اسلامی ترسان است و جز در سرزمین‌های کافران امنیت ندارد و چیزی که بر این دلالت دارد، سخن خداوند است که فرموده است: **﴿فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ﴾**^۲؛ «هر کس مضطر شود بدون ستم یا زیاده‌خواهی گناهی بر او نیست» و فرموده است: **﴿وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ﴾**^۳؛ «برای شما چیزی که بر شما حرام ساخته را تبیین کرده است مگر چیزی که به آن ناگزیر شوید» و فرموده است: **﴿إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ﴾**^۴؛ «مگر کسی که اکراه شود در حالی که دلش مطمئن به ایمان است» و فرموده است: **﴿لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً ۚ وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ ۖ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾**^۵؛ «مؤمنان کافران را سرپرستانی به جای مؤمنان نگیرند و هر کس این کار را انجام دهد از خداوند در چیزی نیست مگر اینکه با تقیّه از آنان بپرهیزد و خداوند شما را از خود بر حذر می‌دارد و بازگشت به سوی خداوند است» و مراد از «محسن»، کسی است که تنها با هدف دعوت کافران به اسلام در سرزمین آنان اقامت می‌گزیند، هرگاه امکان دعوت آنان از طریق مسافرت بدون اقامت گزیدن را نداشته باشد و چیزی که بر این دلالت دارد،

۱. النساء / ۹۸-۹۹

۲. البقرة / ۱۷۳

۳. الأنعام / ۱۱۹

۴. النحل / ۱۰۶

۵. آل عمران / ۲۸

حکم موضوع این است، ولی برخی از ظاهریه افراط کرده اند و گفته اند: «مَنْ لَحِقَ بِأَرْضِ الشَّرْكِ بِغَيْرِ ضَرُورَةٍ فَهُوَ مُحَارِبٌ، هَذَا أَقْلُ أَحْوَالِهِ إِنْ سَلِمَ مِنَ الرَّدَّةِ بِنَفْسٍ فِرَاقِهِ جَمَاعَةَ الْإِسْلَامِ، وَأَنْجِيَاةً إِلَى أَرْضِ الشَّرْكِ»؛^۵ «هر کس بدون ضرورت در سرزمین مشرکان مقیم شود، محارب است. این کمترین احوال اوست اگر به دلیل جدا شدن از جماعت مسلمانان و پیوستن به سرزمین شرک، مرتد محسوب نشود» و در جای دیگری تصریح کرده اند که اگر از روی اضطرار و اکراه این کار را انجام نداده باشد، مرتد است و باید کشته شود، در حالی که آن بنا بر **قاعده**ی علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

٦. المحل، بالآثار لابن حزم، ج ١٢، ص ١٢٥

دیدگاهی ضعیف محسوب می‌شود. آری، از اهل بیت روایت شده است که محاربی که از سرزمین خود تبعید شده است، اگر قصد ورود به سرزمین مشرکان را داشته باشد، کشته می‌شود و در روایت دیگری آمده است: «إِنْ تَوَجَّهَ إِلَى أَرْضِ الشُّرْكِ لِيَدْخُلَهَا قُوتِلَ أَهْلِهَا»؛ «اگر رهسپار سرزمین مشرکان بشود تا در آنجا مستقر شود، با مردم آنجا جنگ می‌شود»، ولی این حکم به خاطر لزوم منع فاسقان مسلمان از پناه بردن به سرزمین کافران است، نه به این خاطر که مرتد محسوب می‌شوند.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ جعفر خراسانی
مجلس خبرگان رهبری



۱. برای این روایات، بنگرید به: تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۱۷؛ الکافی للکلینی، ج ۷، ص ۲۴۷؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۱۰، ص ۱۳۳.

www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ جعفر خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.

صفحه پست در شبکه

صفحه پست در شبکه

صفحه پست در شبکه

صفحه پست در شبکه

لینک پست در شبکه